

۱- حال مفرد: تَظَاهَرُ ابْنَاءَ الشُّعْبِ مُطَالِبِينَ بِحَكْمِ الْقُرْآنِ.

حال جمله‌ی اسمیه: خَرَجَ التَّلَامِيذُ مِنَ الْمَدْرَسَةِ وَ هُمْ يَتَكَلَّمُونَ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

حال جمله‌ی فعلیه: خَرَجَ النَّاسُ إِلَى الشُّوَارِعِ يَهْتَفُونَ ضَدَّ الْمُسْتَكْبِرِينَ.

۲- و: واو حالیه	مالي: خبر مقدم	حيلة: مبتدای مؤخر
ربّ: منادای مضاف تقدیراً منصوب	الْهَمْنِي: م. به اول	رایا: م. به دوم
فَحَيَاتِي: مبتدا	أَدْعِي: فاعل: انا مستتر	أَنْبِي: اسم
مريضٌ: مخ	عَلَنِي: لعل- اسم	أَنْجُو: خبر
وَشَيْئَةٌ: مفعول مطلق نوعی	أَوْفَى: منادای مضاف تقدیراً منصوب	حَبِيبٌ: مضاف الیه
كيف: حال	تشكو: فاعل: أنت مستتر	و: واو حالیه
أرني: فعل طلبی	أرني: م. به	أشفيك: م. به
الشوك: فاعل	رجلي: م. به	الشوك: فاعل
يا ذنب: منادای نكرة مقصوره	التزع: م. الیه	التي: م. الیه
عُثِي: م. مؤخر	في الكذب: خبر مقدم	خلق: اسم مؤخر
الشر: م. الیه	بعد: ظرف	فقي عقلي: خبر مقدم
نجاتي: مبتدای مؤخر	حياتي: مبتدا	ضاعت: خبر
حياتي: فاعل و تقدیراً مرفوع	العمر: مفعول به و منصوب	

گرگ آمد و من چاره‌ای جز مبارزه با گرگ ندارم. پروردگارا به من فکری الهام کن زیرا که زندگی‌ام غیر ممکن شده، ادعا می‌کنم که بیمارم شاید با این حيله نجات یابم. خودش را به لنگیدن می‌زند و گرگ داخل می‌شود و او را خطاب می‌کند. برای چه مانند لنگ‌ها راه می‌روی ای باوفاترین دوست. چگونه شکر می‌کنی چه دردی داری در حالی که من بهترین پزشکم. بایت را به من نشان بده تا تو را از زخم و حشمتناک نجات دهم. پیش می‌رود تا پای الاغ را معاینه کند الاغ می‌گوید: سیاس و دعای من برای توست و خداوند تو را به خاطر من پاداش می‌دهد خار در پایم رفته است، خار را بیرون بیاور مرا راحت کن. گرگ نزدیک می‌شود و الاغ به شدت با پیش به او لگد می‌زند و می‌گوید: اگر نتوانم تو را بکشم، ای گرگ مرا بخور. گرگ در حال جان‌کندن زندگی‌ام را این چنین گذراندم عاقبت غرور این چنین است. من درنده هستم پس درست نیست که طبابت الاغان را ادعا کنم. در دروغ گفتن به مردم غیر از شر زیاد نیست. الاغ بعد از مرگ گرگ: خدا را شکر می‌کنم به خاطر عقل زیرا که نجات من در عقل من بود. خدا را شکر می‌کنم زیرا که اگر چاره من نبود زندگی‌ام از بین می‌رفت. خداوند عمر را برابم نوشت به خاطر صبر و پایداریم.

۳- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در جمله «كُنْ مشغولاً» اسم کان ضمیر مستتر «أنت» است و خبر آن اسم منصوب «مشغولاً» است. در جمله اسمیه «أنت عنه مسؤول»، «أنت» مبتدا و محلاً مرفوع و خبر آن «مسؤول» است و آن هم مرفوع است.

۴- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «لا» در گزینه ۱، «لاي» نفي جنس می‌باشد، بین «لاي» نفي جنس و اسم آن نباید فاصله بیفتد به همین دلیل گزینه ۴ غلط است. در گزینه ۳ «لا» باعث مجزوم شدن فعل «تته» شده است. بنابراین «لاي» ناهیه محسوب می‌شود.

۵- گزینه ۴ صحیح است. در گزینه‌های ۱ و ۲ حرف همزه دارای حرکت «ضمه» بوده و حرف ماقبل آن مفتوح می‌باشد. در گزینه ۳، همزه متحرک بعد از یک حرف مضموم قرار گرفته است، لذا کرسی مناسب برای آن حرف «واو» است، بنابراین طریقه کتابت این سه کلمه بدین ترتیب است: «سؤول، رؤوف و سؤال».

۶- اسلوب تعجب، جمله‌ای است که در آن، پدیده و یا حالتی مورد تعجب واقع می‌شود و این تعجب تحت ساختاری خاص ذکر می‌شود. اسلوب تعجب دو رکن بسیار مهم دارد:

۱ - فعل تعجب: فعلی است بر وزن «ما أفعل» که در ابتدای جمله بکار می‌رود و باید توجه داشت که این فعل همیشه و همواره غیرمنصرف بوده و در همین صیغه بکار می‌رود.

۲ - متعجب‌منه: اسمی است که وجود صفتی یا حالتی در آن، مورد شگفتی واقع می‌شود و به عنوان مفعول به منصوب است. در اینجا می‌تواند «کنیر» بودن «عجائب مخلوقات» مورد تعجب و شگفتی واقع شود یعنی «ما أكثر» به عنوان فعل تعجب و «عجائب» به عنوان متعجب‌منه مورد استفاده قرار بگیرد. در نتیجه گزینه ۴ درست است.

۷- گزینه ۴ پاسخ صحیح سوال است.

در گزینه ۱، «کرام» جمع «کریم» بوده و صفت مشبّهة (مشتق) است. «شروق» مصدر ثلاثی مجرد (جامد) می‌باشد.

در گزینه ۲، «مدرسه» و «مشهد» اسم مکان (مشتق) هستند. «النّاس» و «وردة» جامد غیر مصدری می‌باشند.

در گزینه ۳، «مغبون» اسم مفعول (مشتق) و «بانع» اسم فاعل (مشتق) می‌باشند. «دفعه» و «بطون» (جمع «بطن») جامد غیر مصدری هستند.

در گزینه ۴، «عیاب» صیغه مبالغه (مشتق) و «کرام» (جمع «کریم») صفت مشبّهة (مشتق) می‌باشند. «مسطرة» اسم آلت بوده و «فضائل» (جمع «فضيلة») صفت مشبّهة است.

۸- گزینه ۴ پاسخ صحیح سؤال است. کلمه «أخ» در این عبارت منادا بوده و مضاف به «یاء» متکلم است. بنابراین، منادا مضاف است. در مورد اعراب آن نیز باید گفت که کلمات مضاف به «یاء» متکلم دارای اعراب تقدیری می‌باشند. بنابراین، «أخی» تقدیراً منصوب است.

۹- گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است. زیرا صحیح کلمات عبارتند از: «عربی‌ها شروع کردند= جعل الغریبون، بدأ الغریبون، الغریبون جعلوا...»، «به پیشرفت= يتقدّمون، بالتقدّم»، «در علوم= فی العلوم»، «رهبری کاروان علمی= قيادة الركب العلمی»، «کنار زدند= نَحَوْا»

۱۰- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. معرفه‌ها شش دسته‌اند:

۱- ضمیرها مانند «هَمْ، أَنْتَ»

۲- اسماء دارای «ال» مانند «السلام» در گزینه ۲

۳- اسم موصولات مانند «هَنْ، مَا، الْكَيْفَ»

۴- اسم اشاره‌ها مانند «هولاء» که در گزینه ۳ بدان اشاره شده است

۵- اسماء علم مانند «سعید» که در گزینه ۱ به آن اشاره شده است.

۶- اسماء مضاف به معرفه‌ها مانند کلمه «بَدَل» در گزینه ۲ که به کلمه معرفه «السلام» مضاف شده است.

«مواطن» جزء هیچکدام از معرفه‌ها نمی‌باشد بنابراین این نکره است.

۱۱- گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

لاِثْعَوْضُ، صفت بصورت جمله (جمله‌ی وصفیه) برای خسارۀ می‌باشد. بنابراین مفعول مطلق، دارای صفت می‌باشد و مفعول مطلق نوعی خواهد بود.

۱۲- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. «مستثنی منه» یک کَل و مجموعه‌ای است که «مستثنی» بعنوان یک استثناء بر آن است. در

جمله «فَسَجِدُوا إِلَّا ابْلِيسَ» ضمیر متصل «او» در «فَسَجِدُوا» نمایانگر یک کل است (که همان ملائکه‌اند) و «ابلیس» هم

استثنائی است بر آن ملائکه که بر آدم سجده کرده‌اند. بنابراین ضمیر «او» مستثنی منه و «ابلیس» مستثنی است.

۱۳- ترجمه متن: دعبل خزایی ۹۷ سال در این جهان زندگی کرد و معتصم عباسی را هجو می‌نمود، بنابراین معتصم تصمیم

بر قتلش گرفت و او فرار کرد به کوهستان. دعبل در طول حیاتش به شهرهای زیادی مانند بغداد، بصره، دمشق، مصر،

حجاز، ری، خراسان و سپس اهواز نقل مکان کرد و در اهواز زندگی این شاعر با ایمان بی‌پاک خاتمه یافت. او در

سال ۲۴۶ هجری در روستایی از روستاهای «شوش» کشته شد و شهید در راه حق گردید. او قصیده‌ای دارد که در طوس

آن را در مقابل امام رضا (ع) سرود و امام (ع) در هنگام شنیدن آن به شدت گریست و به او گفت: «ای دعبل، همانا

جبرئیل به زبان تو سخن می‌گوید».

گزینه ۴ صحیح است. ترجمه سوال: «شاعر اولین بار به کجا فرار کرد؟»

مطابق متن، دعبل ابتدا به کوهستان گریخت.

۱۴- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ترجمه سوال: «موضوع مورد بحث متن چیست؟»

موضوع مورد بحث متن با توجه به خود متن «گزارش زندگی یک شاعر» می‌باشد. معنی سایر گزینه‌ها چنین است:

۱- سخن جبرئیل ۲- ظلم معتصم ۳- زندگی امام رضا (ع)

۱۵- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ترجمه سوال: «شاعر در چه سالی فوت کرد؟».

شاعر گرانقدر طبق نوشته متن در سال ۲۴۶ هـ فوت کرد.

۱۶- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ترجمه سوال: «چرا امام رضا گریه کرد؟ گریه کرد هنگامی که را شنید».

طبق متن، امام رضا به هنگام شنیدن قصیده دعبل به شدت گریست. معنی سایر گزینه‌ها:

۱- هجرت دعبل ۲- ستم معتصم ۴- شهادت دعبل

۱۷- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «تَنَقَّلَ» فعل ماضی از باب تَفَعَّل می‌باشد که افعال این باب معمولاً لازم هستند. سه حرف

اصلی آن «نقل» می‌باشد، پس جزء افعال صحیح و سالم است. این فعل مانند سایر افعال ماضی مبنی بوده و فاعلش

در اینجا اسم مرفوع «دعبل» می‌باشد.

۱۸- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. فعل ماضی «خَتِمْتُ» مجهول، ثلاثی مجرد و مانند سایر افعال ماضی، مبنی می‌باشد. سه

حرف اصلی آن «ختم» بوده، بنابراین صحیح و سالم است. افعال مجهول در زمره افعال متعدی می‌باشند. در این متن،

نایب فاعل این فعل، کلمه مرفوع «حیاء» است.

۱۹- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. کلمه «قصیده» اسم بوده و با داشتن تنوین مشخص می‌گردد که منصرف و نکره است. در

عبارت «لَهُ قَصِيدَةٌ»، «قصیده» مبتدای موخر، مرفوع، «لَهُ» شبه جمله و خبر مقدم و محلاً مرفوع می‌باشد.

نکته: مبتدا نمی‌تواند غیر مفرد باشد. در عبارت بالا نیز «لَهُ» به علت شبه جمله بودن نمی‌تواند مبتدا باشد.

۲۰- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. «يَقْضَانُ» بر وزن «فَعْلَانُ» از صفات مشبّهه است. «فَهْمٌ» بر وزن «فَعْلٌ» نیز صفت مشبّهه

است. «مُتَعَبِدٌ» اسم فاعل ساخته شده از فعل مضارع باب «تَفَعَّلَ» است، لذا این سه کلمه هر سه مشتقند. «سلطان» جامد

است.

۲۱- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. زیرا در سایر گزینه‌ها، «لا» همراه فعل به کار رفته است، یعنی در گزینه‌ی ۱ و ۳، «لا»

نافیه است و در گزینه‌ی ۴، «لا» ناهیه می‌باشد.

۲۲- گزینه ۴ پاسخ صحیح سوال است. اسلوب تعجب دو رکن دارد:

(۱) صیغۀ تعجب: بر وزن «ما أَفْعَلُ» بوده و همواره برای جنس‌ها و تعداد مختلف به همین صورت بکار می‌رود، لذا

بکار بردن «ما أَجَمَلْتُ» در گزینه ۱ نادرست است.

(۲) متعجب‌منه: اسمی است منصوب که مورد تعجب واقع می‌شود.

در گزینه ۲، «حُسْنٌ» متعجب‌منه است و باید منصوب باشد در حالیکه مرفوع است.

در گزینه ۳، به ظاهر اسلوب تعجب رعایت شده است ولی در معنا اشکال وجود دارد. با کمی دقت در معنی جمله

که بدین صورت است: «علی را دوستش تکریم نکرد». می‌توان به این نکته پی برد که «ما» در این عبارت از نوع «نافیه»

بوده و بر سر فعل ماضی «أَكْرَمَ» آمده است.

در گزینه ۴، «ما أَجَمَلُ» صیغۀ تعجب و «الرَّبِيعُ» متعجب‌منه و منصوب است.

۲۳- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. زیرا ترجمه صحیح سایر گزینه‌ها: «اذكروا الله كثيراً = خداوند را زیاد یاد کنید»، «فَرْنَا فوزاً

عظيماً = رستگار شدیم رستگاری عظیمی، عظیم رستگار شدیم» و «المؤمن اكثر نفعاً = نفع مومن بیشتر است».

۲۴- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. هرگاه فعل مضارع ناقص مانند «تشفی» مجزوم گردد، در آن حرف عله ساکن می‌گردد. معمولاً حرف عله ساکن که حرف چهارم و به بعد باشد مشمول اعلال به حذف می‌گردد. بطور کلی در افعال مضارع ناقص مفرد به غیر از صیغه مفرد مؤنث مخاطب، جزم به حذف حرف عله می‌باشد. مجزوم «تشفی» فعل «تَشْفِی» می‌باشد.

۲۵- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در جملات شرطیه، فعل و جواب شرط مجزوم می‌گردد. جزم فعل «تُفَقِّوْنَ» به حذف حرف «ن» و جزم فعل ناقص «یُؤْفِی» به حذف حرف عله «یاء» می‌باشد. بنابراین گزینه ۲ که در آن «تَفَقَّوْا» و «یُؤْفُ» آمده است صحیح است.

۲۶- بعد: ظرف. البلاء: مضاف‌الیه و مجرور. (اسم‌الدار تنوین نمی‌گیرد).
یکون: فعل و فاعله التاء که مذكر است.

۲۷- گزینه ی ۴ پاسخ صحیح است. در گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ به ترتیب «ایماناً، بصلأ و معلمین» تمیز می‌باشد ولی در گزینه ۴ «مراراً» مفعول مطلق عددی است و تمیز محسوب نمی‌شود.

۲۸- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «أب» از «اسامی خمسه» می‌باشد. این گونه اسم‌ها، هرگاه «مفرد» بوده و مضاف به «غیر یاء متکلم» باشند، اعرابشان به «حروف» است و در اینصورت «رفع» آنها با «واو»، «نصب» آنها با «الف» و «جر»شان با «یاء» خواهد بود. در جمله مزبور، «أب» منادای مضاف می‌باشد و «مضاف‌الیه» آن، ضمیر «نا» است. به همین علت، «منصوب» بوده و «نصب» آن به «الف» می‌باشد. با توجه به مطالب بیان شده، اسم مزبور را بصورت «أبا» می‌آوریم.

۲۹- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در این عبارت «هو» ضمیر فصل است و معنی «الْعَلْمُ هُوَ التَّوْرَةُ الَّذِي...»، «دانش آن نوری است که ...» می‌باشد. «نهتدی» هم متکلم مع الغیر است و به معنی «هدایت می‌شویم» است. با توجه به این توضیحات، ترجمه صحیح عبارت، گزینه ۲ می‌باشد.

۳۰- کم کتاباً قرأت؟ کم مدینة سافرت؟

کم شهیداً تعرف؟ کم مدرسه فی تهران؟

کم کتاب قرأت؟ کم مدینة سافرت.

کم شهید اعرف. کم مدینة بنیت فی تهران.

۳۱- أن تُحَاسِبَ: فاعل - مصدر مؤول

نفس: مفعول به و منصوب قیل: ظرف

الناس: فاعل و مرفوع

۳۲- گزینه ی ۲ پاسخ صحیح است. زیرا در سایر گزینه‌ها «مغفرة» به ترتیب اسم إن و مفعول به می‌باشد.

۳۳- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. (زیرا کلمه داعی اگرچه منقوص است اما اعراب آن نصب اصلی و با فتحه ایت بنابراین داعی مفعول به و منصوب به فتحه است)

۱) جوارحی به دلیل اضافه شدن به ضمیر یاء اعرایش تقدیری است.

۲) تقوی به دلیل مقصور بودن تقدیراً مجرور است.

۴) الدنيا به دلیل مقصور بودن تقدیراً مرفوع زیرا در حکم مبتدا است.

۳۴- گزینه ی ۳ پاسخ صحیح است. «لِیْت» از حروف مشبّهة بالفعل است. طبق قاعده اسم این حروف منصوب و خبر آنها مرفوع می‌باشد. بنابراین در اینجا «المسلمین» که منصوب به «یْنَ» نصبی - جری در جمع مذكر سالم است، می‌تواند بعنوان اسم منصوب «لیت» بکار رود. خبر در اینجا فعل «یتحدون» می‌باشد. هرگاه فعل بعنوان خبر قرار بگیرد، «خبر جمله» تشکیل می‌شود که اعراب آن محلی است. لذا نمی‌توان تغییری در ظاهر آن ایجاد کرد.

تذکر: «المُسلِمَانِ» که در گزینه ی ۲ بکار رفته است، مثنی و مرفوع بوده و علامت رفع آن «ان» می‌باشد، لذا نمی‌تواند اسم «لیت» باشد.

۳۵- گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

در گزینه‌های ۳ و ۴ عبارت، «به بازار می‌روم» ترجمه نشده است، لذا جملات ترجمه شده کامل نمی‌باشند.

در گزینه ۲، «لِأَشْتَرِی» فعل مضارع منصوب می‌باشد و در اصل به صورت «لِأَنْ أَشْتَرِی» بوده که «أَنْ» آن حذف شده است. معنی گزینه ۲ بدین صورت است: «می‌روم که مایحتاج منزل را از بازار بخرم». این عبارت با جمله مورد نظر مطابقت ندارد.

گزینه ۱ جمله را صحیح ترجمه کرده است. «أَذْهَبُ» به معنی «می‌روم» و «أَشْتَرِی» به معنی «می‌خرم» یا «خریداری می‌کنم» است. «حاجات البیت» به معنی «مایحتاج منزل» می‌باشد.

۳۶- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «غفران» مصدر ثلاثی مجرد و جامد می‌باشد و سه گزینه دیگر به ترتیب «اسم تفضیل»، «صفت مشبّهه» و «اسم مکان» هستند (البته «مواضع» جمع «مواضع» می‌باشد که اسم مکان است).

۳۷- گزینه ۴ صحیح است. «مفعول فیه» اسم منصوبی است که متضمن معنای «فی» می‌باشد و نشان دهنده مکان یا زمان وقوع فعل است. کلمات آمده شده در گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ هر سه منصوب هستند و متضمن (دربر گیرنده) معنای «فی» می‌باشند. «حین» و «لیلاً» نشان دهنده زمان وقوع فعل و «فوق» نشان دهنده مکان وقوع فعل می‌باشد. گزینه ۴، یعنی «مدینة» مجرور است نه منصوب («مدینة» مضاف‌الیه برای «أضواء» است، لذا مجرور می‌باشد) و متضمن معنای «فی» نیز نمی‌باشد. پس مفعول فیه نیست.

۳۸- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در گزینه‌های ۲، ۳ و ۴، کلمه «الیوم» به ترتیب «اسم ان، مضاف‌الیه و مبتدا» می‌باشد. اما در گزینه ۱ «الیوم» متضمن معنای فی بوده و زمان وقوع فعل را نشان می‌دهد، لذا نقش مفعول فیه (ظرف) را داراست.

۳۹- این: خبر مقدم و محلاً مرفوع
نمرود: مبتدای مؤخر و مرفوع
کنعان: معطوف و مرفوع
الارض: مفعول به و منصوب
ولی: فعل ماضی و فاعله: هو مستتر

۴۰- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ذهب (ص: ذهبوا، خبر باید مطابق مبتدای خود «أصدقاء» از نظر تعداد باشد) - مازال (ص: مازلت، مرجع آن «انت» و باید مطابق آن باشد).

۴۱- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مفعول مطلق مصدری است منصوب که گاهی به همراه فعل هم باب خود در جمله بکار می‌رود، مانند گزینه‌های ۱ و ۲.

در گزینه ۱، «تحقیقاً» مفعول مطلق است که به همراه فعل «حَقَّقُوا» از باب «تفعیل» می‌باشند.

در گزینه ۲، «انتصاراً» مفعول مطلق است که به همراه فعل «إِنْتَصَرُوا» از باب افتعال می‌باشند. گاهی نیز مفعول مطلق بدون همراهی فعل در جمله آورده می‌شود که «حقاً» در گزینه ۳ مصداق آن است.

در گزینه ۴، مفعول مطلق وجود ندارد و «انتصاراً» در این عبارت مفعول به و منصوب و «عظیماً» صفت آن و به تبعیت از آن منصوب است.

۴۲- گزینه ۲ پاسخ صحیح سوال است. ترجمه بیت داده شده بدین شکل است:

«مادر مانند مدرسه‌ای است که اگر او را آماده کنی (تربیت کنی) مانند آن است که ملتی با اصل و نسب نیک آماده کرده‌ای (تربیت کرده‌ای)»

واضح است که مفهوم این بیت بر تاثیر نقش «تربیت صحیح زنان در جامعه» تاکید دارد.

۴۳- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در این جمله «مستثنی منه» محذوف است. بنابراین مستثنی مفرغ بوده و اعراب آن تابع جمله است. با توجه به اینکه جمله ی قبل از «الا» فاقد فاعل است پس مستثنی (صوت) باید مرفوع باشد و «ضعیف» هم که صفت آن است به تبع آن مرفوع خواهد بود.

۴۴- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. برای یافتن پاسخ صحیح، نقش کلمات را در نظر می‌گیریم:

ان: حرف مشبیه بالفعل
الله: اسم حرف مشبیه بالفعل، منصوب، نصب به فتحه

لايحب: خبر حرف مشبیه بالفعل، جمله فعلیه (فاعل: ضمير مستتر «هو»)

من: مفعول به، محلاً منصوب (اسم موصول‌ها مبنی و اعراب آنها محلی است)

كان: فعل ناقصه، اسم آن «هو» مستتر

مختالاً: خبر فعل ناقصه، منصوب، نصب به تنوین فتحه
فخوراً: خبر دوم فعل ناقصه، منصوب، نصب به تنوین فتحه

۴۵- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در جمله شامل حال، «ذوالحال» معرفه می‌باشد، اما در گزینه ۳، تلمیذاً به علت داشتن تنوین، نکره است و در نتیجه جمله بعد از آن جمله «وصفیه» می‌باشد نه «حالیه» (طبق قاعده «الجملة بعد النكرات، صفات»).

۴۶- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «حزناً» مصدر (ثلاثی مجرد) منصوبی از جنس فعل جمله (حَزَنَ) بوده و طبق قاعده، «مفعول مطلق» می‌باشد. این «مفعول مطلق» با توجه به داشتن «صفت» (شدیداً)، می‌تواند به «نوع» فعل اشاره کند، بنابراین این «مفعول مطلق نوعی» می‌باشد.

ترجمه: «مرد بسیار ناراحت شد».

۴۷- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «صباحاً» اسمی است منصوب که بر زمان وقوع فعل دلالت دارد، بنابراین «مفعول فیه» (ظرف) می‌باشد.

۴۸- گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

۱- علی قوتک : بر تو (ص: بر قدرت تو) ، ف : زیرا (ص: در نتیجه)، تستسلم : تسلیم خواهید شد (ص: تسلیم می‌شوی) ، استسلام العاجز ... : چون افراد ناتوان (ص: چون درمانده ...)

۳- حذار : بر حذر باشید (ص: زنهار) ، ان يتسلط اليأس : از تسلط ناامیدی (ص: که یأس مسلط شود)، علی قوتک: بر اراده شما (ص: مانند ا) ، فتستسلم : و تسلیم نشوید (ص: مانند ا) ، استسلام العاجز ... : و چون فردی درمانده (ص: مانند ا).

۴- ان يتسلط : که راه نیاید (ص: که مسلط شود) ، فتستسلم : زیرا تسلیم خواهی شد (ص: مانند ا) ، العاجز الضعيف : ناتوان (ص: درمانده ناتوان)

۴۹- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. با توجه به اینکه «هذه» اسم کائث بوده و معرفه می‌باشد و «المرأة» خبر آن و معرفه است و با توجه به گزینه‌ها، باید در جای خالی ضمیر فصل مناسب قرار بگیرد. با نظر به اینکه «هذه» برای مفرد مونث می‌باشد و «المرأة» نیز مفرد مونث و غایب است، پس ضمیر فصل مناسب با آن باید ضمیر منفصل مرفوعی صیغه مفرد مونث غایب باشد. ضمائر منفصل مرفوعی به ترتیب صیغه‌ها عبارتند از: هُوَ، هُما، هُم، هِيَ، هُما، هُنَّ، أَنْتَ، أَنْتَما، أَنْتُم، أَنْتِ، أَنْتَما، أَنْتُنَّ، أَنَا و نَحْنُ که ضمیر مورد نظر ما «هی» می‌باشد. در این جا می‌باید ضمیر فصل اسم و خبر کان از نظر غایب یا مخاطب بودن با فعل مبتدا مطابقت کند.

۵۰- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «لم» از حروف مجزوم کننده افعال مضارع است. در گزینه‌های ۱ و ۳ جزم با حذف «ن» صورت پذیرفته است. فعل «تقلن» که در گزینه ۴ به آن اشاره شده است از افعال جمع مونث مضارع است لذا مبنی بوده و در صورت مجزوم شدن، محلاً مجزوم شده و در ظاهر آن تغییری رخ نمی‌دهد.

در گزینه ۲ فعل «تقولین» در صیغه «مفرد مونث مخاطب» بوده و جزم آن به حذف حرف «ن» می‌باشد در حالیکه در این گزینه «ن» حذف نگردیده است لذا این گزینه نادرست است.

۵۱- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ترجمه ی بیت بصورت زیر است:

«اگر در همه ی کارها دوست را سرزنش کنی کسی را نمی بینی که او سرزنش نکنی»

و ترجمه ی گزینه ها:

- (۱) دوستان شایسته ی سرزنش نیستند.
 (۲) انسان از خطا کردن، معصوم نیست.
 (۳) دیگران را نکوهش نکن بلکه ستایششان کن.
 (۴) کسی را که نمی بینی سرزنش نکن
 مشخص است که مفهوم بیت با گزینه ی (۲) متناسب است.

۵۲- ترجمه متن: یعقوب پیامبر نشسته بود هنگامی که پسرانش، غروب، با حالت گریه برگشتند و در حالی که پیراهن یوسف را انداختند، درحالیکه می گفتند: او را گرگ خورده است. پس پدر به پیراهن پسرش نگاه کرد و با اندوه گفت: این گرگ آرام چه قدر عجیب است که یوسف را خورده بدون اینکه اثری روی پیراهن بگذارد و سالها گذشت و بی گناهی گرگ ثابت شد و ماجرا ضرب المثل تاریخی شد.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ترجمه سؤال: «موضوع اصلی متن حول می گردد؟»

طبق متن مزبور، موضوع اصلی، داستان حضرت یوسف است. ترجمه سایر گزینه ها:

- ۱- برادران یوسف
 ۳- یوسف و گرگ
 ۴- یعقوب پیامبر

۵۳- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ترجمه سؤال: «یعقوب از کجا فهمید که گرگ فرزندش را نخورده است؟»

طبق متن داستان، از پیراهن سالم یوسف به قضیه پی برد. معنی سایر گزینه ها:

- ۲- گرگ آرام بود
 ۳- از آنجا که انسان برادرش را نمی کشد
 ۲- از آنجا که حیوان انسان را نمی خورد

۵۴- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ترجمه سؤال: «چه هنگامی برادران یوسف نزد پدرشان بازگشتند؟»

طبق متن، به هنگام غروب بازگشتند. ترجمه سایر گزینه ها:

- ۱- صبح
 ۲- فردا
 ۴- روز

۵۵- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ترجمه سؤال: «یعقوب پیامبر از چه چیزی اظهار تعجب کرد؟» از اظهار تعجب کرد.

با توجه به متن، پدر یوسف از آرامش گرگ تعجب کرد. ترجمه سایر گزینه ها:

- ۲- بی گناهی گرگ
 ۳- از گریه پسرانش
 ۴- کار فرزندانش

۵۶- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. فعل مضارع «یکون» از ریشه «بکی» فعل ناقص از صیغه «جمع مذكر غایب» (لغابیین)

می باشد. «یکون» معرب و لازم است و فاعل آن ضمیر بازر «او» می باشد.

۵۷- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. «أَكَلَ» فعل ماضی و از ریشه «أکل» بوده و صحیح و مهموز الفاء است و مانند سایر افعال

ماضی مبنی می باشد (مبنی بر فتح است). این فعل متعدی بوده و «یوسف» مفعول آن و منصوب می باشد. فاعلش

نیز ضمیر مستتر «هو» است.

۵۸- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. جالساً اسم فاعل از مصدر ثلاثی مجرد جلوس می باشد، بنابراین مشتق است. در ضمن

معرب بوده و جزء هیچ کدام از اقسام غیر منصرف نیست، لذا منصرف می باشد. در این متن «جالساً» خبر کان و

منصوب می باشد. نیز از اقسام شش گانه معرفه نیست و نکره می باشد.

۵۹- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «سنوات» جمع مونث «سنه» می باشد. این کلمه معرب است و منصرف و با توجه به داشتن

تئوین، بدیهی است نکره نیز می باشد. در این متن، «سنوات» فاعل فعل «مرت» بوده و مرفوع است.

۶۰- ما زالت: فعل ناقصه الاحاسیس: اسم ما زالت و مرفوع الثورویة: صفت و مرفوع

تموج: خبر ما زالت و محلاً منصوب و فاعله: هی مستتر قلوب: مجرور به حرف جر

جماهیر: مضاف الیه و مجرور نا: مضاف الیه و مجرور المسلمة: صفت

۶۱- گزینه ۳ پاسخ صحیح سوال است. فعل «أصبح» در صیغه جمع مونث مخاطب که متناسب با ضمیر «اتنن» است به

صورت «أصبحتن» می باشد، بنابراین گزینه های ۱ و ۲ نادرست هستند. کلمه «مسلمات» در جمله جدید، نقش خبر

افعال ناقصه را خواهد داشت، بنابراین باید منصوب باشد. اما توجه داشته باشید که «مسلمات» جمع مونث سالم است

و جمع مونث سالم در حالت نصبی دارای اعراب فرعی بوده و کسره می گیرد. بنابراین «مسلمات» صحیح خواهد بود.

به همین ترتیب «اعلامات» نیز باید تئوین جر بگیرد.

۶۲- المتوکلین

الله: اسم ان و منصوب یحب: خبر ان و مرفوع محلاً

المتوکلین: مفعول به و منصوب به اعراب فرعی «ی»

۶۳- گزینه ۲ صحیح است. «یتوکل» اعراب جزم دارد، زیرا این فعل به همراه «ل» امر غایب آمده («ل» امر غایب فعل مضارع

را مجزوم می کند.) و مجزوم شده است. معنای این فعل «پس باید توکل بکند» می باشد.

۶۴- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. فعل اول به صورت ماضی و فعل دوم با توجه به ادوات نصب به صورت مضارع التزامی

ترجمه می شود. سایر گزینه ها: (۱) باید تلاش کنم (۳) هرگز موفق نخواهم شد (۴) فعل «أنجح» منصوب نشده است

۶۵- گزینه ۴ صحیح است. در جمله بیان شده، «الحسد» مبتدی و «يَأْكُلُ» خبر آن است. چون خبر، جمله فعلیه است و فعل

آن باید متناسب با مبتدا باشد و چون «يَأْكُلُ» صیغه مفرد مذكر غایب است پس «الحسد» نیز «مذكر» می باشد. با توجه به

جمله «تَأْكُلُ النَّارُ الحَطَبَ» که در آن «تَأْكُلُ» فعل و «النَّار» فاعل آن می باشد و با توجه به اینکه فعل متناسب فاعل آورده

می شود، چون «تَأْكُلُ» صیغه مفرد مونث غایب است بنابراین «النَّار» مونث است و چون جاندار نیست پی می بریم که

مونث مجازی است. «ایمان و حطب» نیز مذكر هستند.

۶۶- اسلوب استثناء دارای سه رکن است:

الف) مستثنی‌منه: جمع، کل یا گروهی که در جمله درباره آن صحبت می‌شود و در جمله پیش از «ال» می‌آید مانند «التلمیذاتُ» در این جمله.

ب) مستثنی: استثنائی است که بر آن جمع یا گروه ذکر می‌گردد و در جمله بعد از «ال» می‌آید.

ج) اداه استثناء: مانند «ال، غیر، سواء» که مستثنی‌منه را از مستثنی جدا می‌کند.

اگر مستثنی‌منه محذوف نباشد، مستثنی منصوب خواهد بود، یعنی در این عبارت مستثنی‌منه «التلمیذاتُ» است بنابراین یکی از کلمات «واحداً یا واحده» مستثنای صحیح می‌باشد و با توجه به اینکه «التلمیذاتُ» مونث است، عدد مونث «واحدة» مناسب خواهد بود. بنابراین گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

۶۷- گزینه ۱ پاسخ صحیح سوال است. برای پاسخگویی به این سوال باید بدانیم که اولاً حرف «لم» فعل را مجزوم می‌کند ولی حرف «لن» آن را مجزوم نمی‌کند (بلکه منصوب می‌کند) و ثانیاً فعل‌های ناقص (فعل‌هایی که حرف آخر آنها حرف عله است) در صیغه مفرد مذکر وقتی مجزوم گردند حرف عله آنها حذف می‌گردد. در گزینه ۳، فعل جمله در اصل «ترضی» بوده که به علت جزم، حرف عله آن حذف شده و در گزینه ۴، فعل جمله در اصل «ترضین» بوده که به خاطر جزم، نون عوض از رفع حذف شده و این دو کاملاً درست هستند. در گزینه‌های ۱ و ۲ از حرف «لن» استفاده شده که فعل را جزم نمی‌دهد، لذا گزینه ۱ که با حذف حرف عله، فعل را مجزوم کرده نادرست می‌باشد.

۶۸- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «مزار» اسم مکان و به معنی «محل زیارت» است. این کلمه در اصل «مَزُور» بر وزن «مَفْعَل» است. «مسجون» اسم مفعول از ریشه «سجج» است. «معادی» بر وزن «مُفَاعِل» اسم فاعل ساخته شده از باب «مفاعلة» است. «مفتاح» بر وزن «مِفْعَال» اسم آلت می‌باشد.

۶۹- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «أبا» منادی مضاف و منصوب به اعراب فرعی «ا» و «خاطین» خبر فعل ناقصه و منصوب به اعراب فرعی «ی» می‌باشد و جمله اسمیه «کُنَّا خاطین» خبر «ان» می‌باشد.

۷۰- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. حضور «ادات شرط» در یک جمله باعث جزم فعل شرط و جواب شرط می‌گردد. در گزینه ۲ جواب شرط در گزینه ۳ فعل شرط و در گزینه ۱ هر دو آنها مجزوم نشده‌اند.

نکته: فعل و جواب شرط که به ترتیب «یَعِصُ» و «یَسْتُولُ» می‌باشند هر دو از افعال ناقصه بوده و جزم آنها به حذف حرف عله می‌باشد («یَعِصُ» و «یَسْتُولُ» به ترتیب به صورت «یعیصی» و «یستولی» بوده‌اند که چون مجزوم شده‌اند حرف عله «ی» از آخر هر دو فعل حذف شده است).

۷۱- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. زیرا صحیح کلمات جمله‌ی مذکور عبارت است از: «كان للمسلمین = مسلمانان داشتند»، «حضارة = تمدنی»، «فی الماضي = در گذشته»، «لانجدها = نمی‌یابیم آن را»، «عند الشعوب الاخری = نزد ملت‌های دیگر»، «لانها = برای اینکه» و «كانت تعيش فی التخلف = در عقب‌ماندگی زندگی می‌کردند»

۷۲- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در گزینه ۱ «وَحَدَّتْ» فعل متعدی بوده و «یکی کنی» معنی می‌دهد. «ال» نداشتن «نفاق» نیز نادرست است. در گزینه ۳ «لَمَّا» برای جمله‌ی شرطیه مناسب نیست و «كُنْتُ مَخْلَصاً» نیز معنی «با اخلاص بودی» می‌دهد. در گزینه ۴ «نفاق» باید «ال» بگیرد.

۷۳- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در گزینه ۱ «حَقًّا» مفعول مطلق بوده و برای تأکید آورده شده است. در گزینه‌های دیگر: در گزینه ۱ «حَقًّا» اسم مؤخر «إِنَّ» و منصوب است. در گزینه ۲ «حَقًّا» مفعول به بوده و منصوب است. در گزینه ۴ «حَقًّا» خبر کَنْتَ بوده و منصوب است.

۷۴- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در جمله داده شده «الطیورُ» نقش فاعل دارد در نتیجه فعل جمله باید در صیغه از «الطیورُ» پیروی کند. این کلمه جمع غیر عاقل و در حکم مفرد مونث است لذا فعل ابتدای جمله نیز باید مفرد مونث باشد. در نتیجه فعل «تَدْرِكُ» درست می‌باشد. ضمیر متصل به «اتجاه» نیز مرجعش «الطیور» می‌باشد در نتیجه ضمیر «ها» که مربوط به مفرد مونث است مناسب این جمله می‌باشد. «الصحيح» صفت «اتجاه» است. در نتیجه در جنس، اعراب، عدد و معرفه و نکره بودن از موصوف خود تبعیت کرده است.

۷۵- لأن القراءة هی زادُ الشَّعب.

۷۶- تشیع الامم جوعها بالقراءة.

۷۷- یقبلُ: مضارع باب افعال، یشیع: مضارع باب افعال. تتشیر: مضارع باب افعال. اتسعتُ: ماضی باب افتعال. ارتقت: ماضی باب افتعال، مصدرش «ارتقاء» است. تتضاءل: مضارع باب تفاعل. انحطت: ماضی باب انفعال (مصدرش انحطاط است).

۷۸- نعم، لأنَّ الفاعل هو ضمیرُ يعود الی المونث المجازی و هو «القراءة»

(زادُ: مبتدا و مرفوع)، (الشَّعبُ: مضاف‌الیه و مجرور)، (هو: ضمیر فصل)، (القراءة: خبر و مرفوع)

(جوعُ: مفعول‌به و منصوب)، (بُدی: فعل مجهول)، (تنزیلُ: نایب فاعل)، (قصیر: صفت)

(هو: مبتدا و محلاً مرفوع)، (کلمةُ: خبر و مرفوع)، (الانسانُ: مفعول‌به و منصوب)، (القراءةُ: مبتدا و مرفوع)

(اخصُّ: خبر و مرفوع)، (مُمَيَّزَاتُ: مضاف‌الیه و مجرور)، (اتسعت: فعل باب افتعال)

(الحضارُ: فاعل و مرفوع)، (تتضاعلُ: باب تفاعل)، (انحطتُ: باب انفعال)

۷۹- قصیر: صفت مشبیه، خطیر: صفت مشبیه، اخصُّ: اسم تفضیل، میزات: اسم فاعل.

۸۰- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. فعل مضارع «تُحِبِّينَ» از ریشه‌ی «ح ب ب» مضاعف و صیغه‌ی آن «للمخاطب» است، سه فعل دیگر مضاعف نیستند. (۲) تُعَلِّمُونَ: از ریشه‌ی «ع ل م» صحیح و سالم، (۳) كُنْتَنَ: از ریشه‌ی «ک و ن» معتل و اجوف، (۴) وَصَّيْنَا: از ریشه‌ی «و ص ی» معتل و لفیف.

۸۱- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «أشجاراً» اسمی است «نکره»، «منصوب» و «جامد (جمع «شجرة»)) که به «رفع ابهام» از ماقبل خود (تُرهُ) پرداخته و در ترجمه تحت اللفظی، همراه کلماتی مانند «از نظر»، «از جهت» و... می آید. این کلمه با توجه به مطالب فوق، «تمییز» می باشد.

ترجمه تحت اللفظی: «چه وقت باغ (از نظر) درختان شکوفه می دهد؟»

ترجمه روان: «چه وقت درختان باغ شکوفه می دهند؟»

توجه: «تمییز»، اسمی است «نکره»، «منصوب» و «معمولاً جامد» ، که از نظر معنا به رفع ابهام از جمله ای که در آن قرار دارد می پردازد.

۸۲- گزینه ۳ صحیح است. برای ترجمه باید دقت کرد که «المثابرة» به معنای «استقامت»، «أداة» به معنی «وسيله»، «الخمول» به معنی «سستی» و «الکسل» به معنی «تنبلی» می باشند.

۸۳- گزینه ی ۲ پاسخ صحیح است. زیرا معادل صحیح کلمات و ترکیبات سؤال چنین است: «أحزم الناس = دوراندیش ترین مردم»، «من کسی که، کسانی که»، «لومات = اگر بمیرد»، «من ظمأ = از تشنگی»، «لا یقرب = نزدیک نمی شود»، «الورد = آبشخور، مکان ورود به آب»، «حتی یعرف = تا این که بشناسد» و «الصندرا = مکان خروج از آب، راه خروج از آب»

۸۴- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ترجمه متن: فصل پاییز می رسد و به همراه آن وزش بادهایی که با خود گرد و خاک حمل می کنند، آشکار می گردد. برگهای درختان بعد از زرد شدن می افتند و شاخه های درختان عربان و درختان اندوهگین به نظر می رسند و کلاغها درحالیکه فریاد می زنند، در میان شاخه ها حرکت می کنند. ابرها در آسمان جمع می گردند و دمای هوا پایین می آید. بارانها فرود می آیند و همه چیز را می شویند. خانه ها با رنگهایشان آشکار می شوند و خیابانها زیبا و هوا صاف و پر از بوی خاک به نظر می رسد. آب ماده زندگی و رمز پاکیزگی است و پاکیزگی شعار ایمان در تفکر اسلامی می باشد. همانا پیامبر بزرگوار (ص) فرموده است: «پاکیزگی از ایمان است.»

ترجمه سؤال: «پاییز به جای ... می رسد (می آید) و ... به جای آن (پائیز) می رسد (می آید). با توجه به ترتیب فصلهای سال، پاییز جای «تابستان» می آید و «زمستان» جای پاییز می آید. «الربیع» به معنی «بهار»، «الصیف»، «تابستان»، «الخریف»، «پاییز» و «الشتاء» به معنی «زمستان» است. با توجه به این مطالب، در جای خالی اول باید «الصیف» و در جای خالی دوم باید «الشتاء» قرار بگیرد.

۸۵- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ترجمه سؤال: «... ریزش باران، خیابانها پاکیزه و هوا صاف به نظر می رسد.» بدیهی است که این حالت بعد از ریزش باران حاصل می شود.

۸۶- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ترجمه سوال: «کدام یک صحیح است؟»

ترجمه گزینه ها:

- ۱ - هر انسان پاکیزه ای باایمان است
 ۲ - هر انسان باایمانی پاکیزه است
 ۳ - هیچ ایمانی همراه پاکیزگی نیست
 ۴ - هیچ پاکیزگی همراه با ایمان نیست
 با توجه به حدیثی که از رسول اکرم (ص) در متن آمده، گزینه ۲ صحیح است.

۸۷- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «یتأدأ» فعل مضارع، مفرد مذکر غایب (لغایب)، ثلاثی مجرد، معرب، لازم، صحیح و هموز اللام (ریشه آن «ب د ء» است) و معلوم است. فاعل این فعل، کلمه «هبوب» می باشد.

۸۸- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. تنزل: فعل، مضارع، مفرد، مونث، غایب (لغایب)، ثلاثی مجرد، صحیح و سالم (ریشه «نزل»)، معلوم، لازم، معرب و فاعل آن کلمه «الامطار» می باشد.

۸۹- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. النظافة: اسم، مفرد، مونث، جامد مصدری، معرب، معرفه به «ال» و منصرف است و در اینجا نقش مبتدا را داراست و مرفوع می باشد.

- ۹۰- من: ادوات شرط
 یمدح: فعل شرط و مجزوم
 لا تنتظر: جواب شرط و محلاً مجزوم
 خیراً: مفعول به و منصوب
 ف: فاء جواب

۹۱- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در جمله «لأتسقط اوراؤها صيفاً» با کمی دقت متوجه می شویم که فعل جمله در صیغه از کلمه «اوراق» تبعیت کرده است. («اوراق» جمع غیر عاقل و در حکم مفرد مونث است و به همین دلیل است که «لأتسقط» آورده شده است) پس می توان گفت که «اوراق» فاعل آن و «ها» مضاف الیه آن می باشد. «صيفاً» اسم منصوبی است که به زمان وقوع فعل اشاره دارد پس آن هم «مفعول فیه» و از نوع ظرف زمان می باشد.

۹۲- گزینه ی ۲ پاسخ صحیح است. ۱- یَعْمَلُ لِمَا يَقُولُ ۳- اُنْ نَعِيشَ عِيشاً حَسَنًا ۴- كُلُّ بَلَدٍ... يَنْهَدُمُ

۹۳- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. حال معمولاً مشتق است ولی در موارد معدودی به صورت جامد می آید که در اینجا «صفا» نیز حال جامد است. برای تشخیص نقش «صفا» ترجمه جمله را بیان می کنیم: «همانا خدا کسانی را که در راهش جنگ می کنند، در حالی که در یک صف (متحد) ایستاده اند و گویی بنایی سربی (محکم) هستند، دوست دارد.»

۹۴- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. کلماتی تنوین پذیر نیستند که غیرمنصرف باشند. بعضی از انواع غیرمنصرفها بدین ترتیب است:

- ۱) اسماء علم مونث. مانند: طاهرة، فاطمة (۲) صفت‌های بروزن «أفعل». مانند: اکرم، أعظم
- ۳) اسماء بر وزن «مفاعل، مفاعیل، فواعل و فواعیل» مانند: «مصادر، مکاتیب، سوابق، صنادیق»
- ۴) اسماء شهرها و کشورها. مانند: مکه، فلسطین (۵) اسماء ممدوده. مانند: کربلاء، صحراء، حمراء
- ۶) اکثر اسماء پیامبران. مانند: یوسف

با توجه به این موارد می‌توان گفت که «غرفة» منصرف است و می‌تواند تنوین بگیرد.

۹۵- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مهم‌ترین اقسام مبنی‌ها عبارتند از:

- ۱- فعلهای امر ۲- فعلهای ماضی ۳- افعال جمع مونث مضارع ۴- حروف
 - ۵- ضمایر، اسماء اشاره و موصولات و استفهام ۶- افعال موکد به نون تأکید
- «هذه» اسم اشاره، «خُذْ» فعل امر، «حتی» حرف ناصبه بوده و هر سه مبنی هستند.
توضیح در مورد ۵: تنبیهی اسامی اشاره و موصول معرب هستند.

۹۶- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. «جمع» حال مفرد و منصوب است.

۹۷- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. زیرا معادل صحیح کلمات عبارت مذکور چنین است: «تا وقتی که احسان و کمک می‌کنیم = ما دُمنَا نُحسِنُ و نُساعدُ»، «دیگران = الاخرین»، «دوست دارد ما را = یُحِبُّنَا اللهُ»

۹۸- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. قبل از فاء سببیه می‌بایست یکی از این موارد باشد: «امر، نهی، نفی، لیت یا لعل» که در گزینه ۲ هیچ‌یک از این موارد وجود ندارد.

۹۹- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «بَیِّنٌ»: خبر مقدم کان، شبه جمله، محلاً منصوب - «فتی»: اسم مؤخر کان مرفوع تقدیراً (تنوین آن علامت اعراب نیست) - «ذکری»: صفت «فتی» و مرفوع بالتبع - «یُعرَفُ»: فعل مجهول - الذکاء: مجرور به حرف جرّ باکسره.

۱۰۰- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «صَبَّأً» مصدر منصوبی است که هم جنس با فعل جمله می‌باشد یعنی «صَبَّأً و یَصُوبُ» هر دو مربوط به یک ریشه می‌باشند. در نتیجه «صَبَّأً» مفعول مطلق است.